

A Comparative Analysis of Zakat in Shiite and Sunni Interpretations

(A brief look at the meaning of Zakat and verse 60 of Sura Tawbah)

(Received: 29/11/1399 - Accepted: 23/06/1400)

Mohammad Farahani¹

Nima Ahmadi²

Abstract

The supreme philosophy of Zakat and its other branches (charity, almsgiving, etc.) is stated in the Holy Qur'an that it is the growth and purity of society from the fact that some people monopolize wealth and keep it among themselves, as a result of which In particular, they are getting richer day by day and most of the society is getting poorer day by day, after a while, social anomalies such as murder and hatred towards the capitalists, theft, etc. appear in the society. The present study, with a brief and comparative look between Shiite and Sunni commentators, deals with the issue of Zakat and points out some differences and commonalities of commentators in this regard. In general, the commentators of Islamic sects have mentioned four meanings of "growth and development, purity and purity, obligatory zakat and charity" for zakat and its derivatives. The commentators also disagree about verse 60 of Surah Tawbah, this verse is known as the verse of Zakat and in this verse it has stated the uses of Zakat. In this research, after presenting the views of Shiite and Sunni commentators, their differences are also addressed.

Keywords: Zakat, charity, sects, interpretation, Surah Tawbah.

1. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quranic Sciences and Education, Tehran, Iran. farahani314@gmail.com

2. M.Sc. in Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Qom, Iran. NIMAAHMADI7596@GMAIL.COM

واکاوی تطبیقی مفهوم زکات در تفاسیر فریقین با تکیه بر آیه ۶۰ سوره توبه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳)

محمد فراهانی^۱

نیما احمدی^۲

چکیده

فلسفه عالی زکات و سایر شقوق آن از جمله: صدقه، انفاق و... توسط قرآن کریم بیان شده است. قرآن زکات را، مایه‌ی رشد و پاکی جامعه می‌داند. این مهم در صورتی است که مبدا عده‌ای مال را، در انحصار خود درآورده و پیوسته در میان خود نگه دارند و نتیجه آن ثروتمندی روز افزون قشری خاص و افزایش فقر در اکثریت جامعه باشد. در نتیجه، پس از مدتی ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله: قتل و کینه نسبت به سرمایه داران، دزدی و... در جامعه پدیدار شود. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تطبیقی، با نگاهی اجمالی بین مفسران فریقین به مسئله زکات پرداخته است و به برخی افتراقات و اشتراکات آنها در این زمینه اشاره می‌نماید. به طور کلی مفسران فرق اسلامی از چهار معنای رشد و نمو، طهارت و پاکی، زکات واجب شرعی و انفاق و صدقه؛ در تفسیر خود برای زکات و مشتقات آن نام می‌برند. همچنین این مقاله، به اختلاف نظرهایی که مفسران در رابطه با آیه ۶۰ سوره توبه، درباره‌ی مصادیق فقیر و مسکین، سهم عاملین و مولفه‌ی قلوب و مصادیق فی سبیل الله دارند، پرداخته است.

کلید واژه‌ها: زکات، انفاق، فریقین، تفسیر، سوره توبه.

۱. استادیار گروه علوم و قرآن حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

farahani314@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

nimaahmadi7596@gmail.com

مقدمه

هر دین و مکتبی برای اداره جامعه و حفظ آن، به پشتوانه‌ای مالی نیاز دارد. دین اسلام موارد مختلفی را برای تأمین این بودجه در نظر گرفته که مهم‌ترین آنها زکات می‌باشد. زکات به عنوان بزرگترین مالیات و درمان نابسامانی‌های جامعه و مهم‌ترین برنامه اقتصادی اسلام شناخته می‌شود. این واژه به همراه مشتقاتش (زکی، آزکی، یتزکی و...) ۵۹ مرتبه در ۲۹ سوره و ۵۶ آیه به کار رفته، که ۲۷ مورد آن در کنار نماز آمده است. با نگاهی اجمالی به آیاتی که مربوط به زکات (بدون مشتقاتش) می‌باشد، در می‌یابیم که:

- ۱- دسته‌ای از آیات، نشان از تشریح اصل این فریضه عبادی- اقتصادی داشته و در بیان مصارف و موارد آن مسکوت مانده است. (توبه/۳۰)
- ۲- برخی از آیات به دادن زکات امر نموده‌اند و آن را معامله‌ای نیکو با خداوند قلمداد می‌کند. (مزمّل/۲۰)
- ۳- آیاتی هستند که، زکات را در کنار نماز قرار داده‌اند و پرداخت آن را، همانند اقامه نماز واجب می‌دانند و از شعائر دین و نشانه‌های ایمان به روز جزا، به حساب آورده‌اند. (بقره/۱۱۰ و ۱۷۷ و ۲۷۷؛ نور/۵۶)
- ۴- آیه‌ای که به اتفاق علماء، مصارف زکات را بیان می‌کند و از واژه صدقه به جای زکات استفاده کرده است. (توبه/۶۰)

نوشتار حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که: تمایزها و تشابهات آیه ۶۰ سوره توبه (آیه زکات) نزد فریقین، چه می‌باشد؟ و چه کاربردهایی از زکات در تفسیر فریقین آمده است؟

در زمینه پیشینه موضوع، تاکنون اثری مشابه یافت نشد و از این نظر کاری جدید محسوب می‌شود.

۱- معنای لغوی و اصطلاحی زکات

زکات از ماده «ز-ک-ی» گرفته شده که این سه حرف در کنار هم دلالت بر رشد و نمو صالح و پاکی دارد. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۸/۱۴؛ ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱۷/۲) راغب می‌گوید: «اصل زکات رشد و نموی است که، از برکت الهی حاصل می‌شود و به هر دو امور دنیوی و اخروی ارتباط دارد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۰) و خلیل بن احمد در رابطه با معنای لغوی زکات بیان می‌کند که: «زکات مال، به معنای پاک کردن آن است و جمله (زکا الزرع یزکو زکاء) به معنای رشد کردن کشتزار و محصولات است. (فراهیدی، بی تا: ۳۹۴/۵)

به طور کلی می‌توان گفت: زکات به دو معنای ۱- رشد و زیاد شدن ۲- طهارت و پاکی می‌آید که به عنوان معنای اصلی در نظر گرفته می‌شود. ولی معانی دیگری از جمله تقدس، تبرئه، تصدیق، حرمت، خیرات نیز به آن نسبت داده می‌شود که در حقیقت

همگی در معنای اصلی داخل می‌شوند.

زمانی که سخن از معنای اصطلاحی زکات به میان می‌آید، آنچه متداول است، مقصود تعریف فقهی این واژه به عنوان رکنی از شریعت اسلام مد نظر می‌باشد که، فقهاء در این زمینه تعاریفی نزدیک به هم داشته و می‌توان گفت که، تعریف‌های ارائه شده در سه چیز مشترک می‌باشند؛ ۱- اندازه معین ۲- اصناف مشخص از مال ۳- گروه‌های مخصوص. (ر.ک: ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۵۷/۲؛ آشتیانی، بی‌تا: ۲۰)

۲- کاربردهای واژه زکات و مشتقاتش در تفسیر فریقین

در این بخش سعی بر این است که ابتدا نظرات برخی از مفسرین فریقین (شعبه و سنی) در رابطه با کاربرد مشتقات از ریشه‌ی (زکی) در آیات بیان گردد و سپس اگر نیاز به جمع‌بندی بود در قالب نکته ارائه شود.

۲-۱- رشد و نمو

با بررسی تفاسیر، یکی از معانی مذکور از سوی مفسران برای ریشه (زکی - باب افعال)، معنای رشد و نمو است. از جمله ذیل آیه‌ی ۲۳۲ سوره بقره که می‌فرماید: «ذَلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ وَاَطْهَرُ وَاَللهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۳۲)؛ این (دستور)، برای رشد (خانواده‌های) شما مؤثرتر، و برای شستن آلودگیها مفیدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

نظرات مفسران در این باره چنین است: «ذَلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ» یعنی بهتر و برتر است. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۸۰/۲) «ذَلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ» دارای برکتی عظیم و نفع و سود بیشتری است. (کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۶۹/۱؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۲۸۰/۱)

نکته ۱: برخی از مفسرین (از جمله مفسرینی که اقوال آنها گذشت) به صورت مستقیم از واژه‌ی «أُزِمِي و نَمَاء» برای تفسیر اُزکی استعمال نموده‌اند. برخی نیز اشاره کرده‌اند که «اُزکی» اشاره به خیر، أعظم برکت، نفع بیشتر و استحقاق دریافت بیشتر را دارد. در همه این معانی، نوعی از رشد و نمو صالح، نهفته است و می‌توان گفت: موارد یاد شده مصادیقی از رشد و زیادت می‌باشند.

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ اِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاَللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه/۱۰۳)؛ از اموال آنها صدقه‌ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات)، به آنها دعا کن که دعای تو، مایه آرامش آنهاست و خداوند شنوا و داناست.

التزکیّة: مبالغه در تطهیر و زیادت در آن است. یا به معنی رشد و برکت در مال می‌باشد. (زمخسری، ۱۴۰۷: ۳۰۷/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۷۱/۲؛ شبیر، ۱۴۱۲:

۱۱۴/۳)

تزکیه‌م‌ها: یعنی بدین وسیله، آنها را از درجه نفاق به منزلت مخلصین بالا ببری. همچنین گفته شده است: باعث رشد و نمو در اموال آنها شود. (بغوی، ۱۴۲۰: ۳۸۴/۲) نکته ۲: به طور کلی می‌توان گفت: زکات زمانی که قرین و همنشین طهارت قرار گیرد، به معنا و مفهوم رشد، نمو و زیادت یا مصادیق آنها می‌آید.

۲-۲- پاک‌ی

از کاربردهای این معنی می‌توان به آیات زیر اشاره نمود: «وَ حَآئِنًا مِّنْ لَّدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا» (مریم/۱۳)؛ و رحمت و محبتی از ناحیه خود به او بخشیدیم و پاک‌ی (دل و جان)! او پرهیزگار بود. مفسران ذیل آیه بیان کرده‌اند: زکاة یعنی؛ طهارت و صلاح، پس قصد انجام گناه نکرد. پاک‌ی از پلیدی، گناه و معصیت... (حوی، ۱۴۲۴: ۳۲۵۵/۶) به او (یحیی) زکات یعنی؛ پاک‌ی از چرکی گناهان و معاصی به وسیله طاعت، عطا کردیم. (شنقیطی، ۱۴۲۱: ۱۷۵/۴)

از قتاده و ضحاک و ابن جریر نقل می‌کنند که: زکاة یعنی عمل صالح پاک کننده. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۷۸۲/۶)

زکاة، یعنی او را فردی صالح قرار داد و از گناهان پاک نمود. (بلخی، ۱۴۲۳: ۶۲۲/۲) «فَارَدْنَا أَن يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا» (کهف/ ۸۱)؛ از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت‌تر به آن دو بدهد. زکاة، با توجه و به اعتبار سخن موسی (ع) در آیات پیشین که فرمود: «أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً» به معنای طهارت و پاک‌ی است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۱۸/۱۵) زکات در این جا، به معنای طهارت و پاک‌ی از گناهان و هر آنچه از آرامش و فضائل اخلاقی است، می‌باشد. (أبو حیان، ۱۴۲۰: ۲۱۵/۷) «خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً» به معنای؛ صلاح و طهارت و پاکیزگی است. (رازی، ۱۴۰۸: ۲۰/۱۳) زکات، به معنای پاک از گناهان و ردائل اخلاقی است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲۸/۸)

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (جمعه/۲)؛ و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

يُزَكِّيهِمْ: آنها را از شرک و بت پرستی پاک می‌گرداند و خیر و خوبی را در میانشان می‌پروراند. (ابن عطية، ۱۴۲۲: ۳۰۶/۵)

يُزَكِّيهِمْ: پلیدی‌های موجود در عقیده و اخلاص را از ایشان می‌زداید و پاک می‌گرداند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۷۲/۵)

۲-۳- به معنای زکات واجب

عمده آیتی که واژه زکات در آن بیان شده، دارای کاربرد و مفهوم زکات واجب است که در بسیاری مواقع، خداوند آن را در کنار اقامه نماز آورده است و دستور به پرداخت زکات می‌دهد:

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۱۱۰)؛ و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید؛ و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا در سرای دیگر خواهید یافت؛ زیرا خداوند به اعمال شما بیناست.

خداوند در این آیه به محافظت از دو ستون و رکن اسلام دستور می‌دهد:

الف- عبادتی بدنی که رابطه بین بنده با خالقش را محکم می‌کند، که همان نماز باشد. ب- عبادت مالی که بین قلوب نیازمندان و ثروتمندان الفت و دوستی برقرار می‌کند، که همان زکات است. (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۲۴۶/۱)

«إِنَّمَا يَعْزَمُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أَوْثَٰكُ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (توبه/۱۸)؛ مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا ترسد؛ امید می‌رود آنها از هدایت‌یافتگان باشند.

پرداخت زکات واجب است و بناء مسجد جزء نوافل می‌باشد. شخص مسلمان، تا زمانی که از ادای واجب فارغ نشده به نوافل مشغول نمی‌شود. مقصود زکات واجبی است که از ارکان شریعت اسلام به حساب می‌آید و خداوند در این آیه، آن را از شرایط کسانی که مساجد را آباد می‌کنند نیز بر می‌شمارد. (رازی، ۱۴۰۸: ۱۱/۱۶)

از میان ارکان اسلام، تنها نماز و زکات را ذکر کرده زیرا این دو رکنی هستند که، در هیچ حالتی نمی‌توان از آنها بی‌نیاز شد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۲/۹)

«وَأَتَى الزَّكَاةَ»: یعنی زکات مالش را پرداخت می‌کند. (بلخی، ۱۴۲۳: ۱۶۳/۲) «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۴۱)؛ همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت ببخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست!

«وَأَتُوا الزَّكَاةَ»: زکات اموالشان، به همان اندازه ای که خداوند در آن مقدر نموده، می‌پردازند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲۶/۱۷)

آنچه خداوند از زکات بر آنها فرض نموده است، ادا می‌کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۴۰/۷) آیات دیگری در این زمینه وجود دارد که به دلیل کثرت، تنها به اسم سوره و شماره آیه برخی از آنها اشاره می‌شود. (بقره: ۱۷۷ و ۲۷۷؛ نساء: ۷۷؛ توبه: ۵ و ۱۱ و ۷۱؛ حج: ۷۸؛ نور: ۳۷ و ۵۶)

۲-۴- انفاق و صدقه

مفهوم انفاق و صدقه را می‌توان در آیات مکی، به ویژه آیات نازل شده در ابتدای بعثت جستجو کرد. از جمله این آیات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم/۳۱)؛ و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.

این عبارت از زبان عیسی (ع) نقل شده است. آیه‌ی بعد چنین است: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم/۵۵)؛ او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛ و پیوسته مورد رضایت پروردگارش بود.

که درباره اسماعیل (ع) می‌باشد. صاحب‌المیزان، در رابطه با دو آیه‌ی پیشین و آیه ۷۳ سوره‌ی انبیاء می‌گوید: «معین نمودن لفظ زکات در معنای مصطلح آن، تنها در عرف شریعت اسلام بعد از نزول قرآن به وسیله واجب شدن و تشریح در دین، محقق شد. اما آنچه معنای لغوی به آن می‌بخشد، عام تر از زکات مصطلح در عرف شارع است که (در آیاتی که گذشت) به معنای «انفاق لوجه الله» است، زیرا آنچه معلوم به نظر می‌آید این است که زکات مالی، به معنای اصطلاحی اسلام، در شریعت پیامبران گذشته نبوده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰/۶)

۳- بررسی تفسیر آیه ۶۰ سوره توبه نزد فریقین

در بخش قبل، بسامد معنایی ریشه (زکی) در قرآن مورد بررسی قرار گرفت و معانی نمو، پاکی و انفاق برداشت شد. در این بخش، با توجه به معانی مذکور، به بررسی تفسیر زکات در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه که به آیه‌ی زکات معروف است، پرداخته شده و به مقایسه نظرات مفسران فریقین ذیل آیه‌ی شریفه در خصوص معنای زکات که با لفظ صدقات در آیه آمده است، می‌پردازد. خداوند در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی توبه می‌فرماید:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران و در راه (تقویت آیین) خدا و واماندگان در راه این، یک فریضه (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

این آیه، یکی از آیات کلیدی و مهم در رابطه با موضوع زکات است که خداوند در آن از مصارف زکات سخن گفته است. در ادامه به برخی افتراقات و اشتراکات نزد فریقین در تفسیر این آیه به صورت مختصر پرداخته می‌شود.

۳-۱- مراد از الصدقات: زکات واجب یا مستحب

در این زمینه دو دیدگاه کلی وجود دارد:

۱- «الصدقات» همان زکات واجب است زیرا؛ اولاً: در انتهای آیه، عبارت «فریضة من الله» بیان شده که دلالت بر صدقه (زکات) واجب است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۰/۹) ثانیاً: صدقه هرگاه به صورت مطلق در قرآن به کار رود، منظور زکات (صدقه) فرض است. (ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۵۹/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۶۸/۸)

۲- الصدقات به دلیل اینکه به صورت عام و مطلق آمده است، شامل زکات واجب و صدقه مستحب می‌شود. (ابن عثمان، ۱۴۲۳: ۴۳۴/۳) کیهراسی نیز می‌گوید: آنچه از این آیه و سنت پیامبر استنباط می‌شود این است که، خداوند صدقات را به صورت مطلق آورده و پیامبر اکرم، اصناف و اموال زکات واجب را بیان نموده است. (طبری کیهراسی، ۱۴۰۵: ۲۰۶/۴)

با توجه به اینکه خداوند زکات را در این هشت صنف، منحصر نموده و در آیات دیگری مانند: آیه ۱۰۳ سوره توبه، از زکات با عنوان صدقه نام می‌برد، اگر واژه الصدقات در آیه مذکور، صدقه مستحبی را با هم در برمی‌گرفت، نتیجه این می‌شود که، دادن زکات به غیر این هشت صنف جایز می‌باشد که این خلاف ظاهر آیه است. (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸۸/۱۶)

۳-۲- مراد از فقیر و مسکین در آیه ۶۰ سوره توبه

فقیر، به گروهی گفته می‌شود که نیازمند بوده و از طرفی، دارایی و کسب و کاری که نیاز آنها را برطرف نماید، نیز در اختیار ندارند. (زحیلی، ۱۴۲۲: ۸۷۷/۱) صاحب المیزان می‌گوید: «فقیر به کسی می‌گویند که موصوف به عدم وجود مال نزد او برای رفع نیازهای زندگی باشد، در مقابل شخص غنی که به فراخ دستی و بی‌نیازی مشهور است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۰/۹)

مسکین، کسانی که دارایی و مال آنها کمتر از نیازهای روزانه و ضروری که برای خود و خانواده خرج می‌کنند، می‌باشد. (زحیلی، ۱۴۲۲: ۸۷۷/۱) و گفته شده است: مسکین به کسی می‌گویند که، زمین گیر بوده و توانایی کار کردن ندارد و از دیگران جهت رفع نیازهای خویش کمک می‌گیرد. (راوندی، ۱۴۰۵: ۳۷۴/۲؛ قمی، ۱۳۶۳: ۲۹۸/۱)

آیا فقرا و مساکین یک گروه اند یا دو صنف متفاوت؟

مذاهب اسلامی، در رابطه با اینکه فقیر و مسکین در یک صنف قرار می‌گیرند یا اینکه هر یک از آنها با یکدیگر متفاوتند اختلاف نموده‌اند. ابو یوسف و محمد (صاحبی ابوحنیفه)، ابی علی جبائی، ابن قاسم و سائر اصحاب مالک می‌گویند که: این دو یک صنف بوده و با یکدیگر تفاوتی ندارند و ذکر هر دو آنها در آیه، نقش تاکیدی داشته است تا سهم بیشتری داشته باشند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۷۰/۸؛ رازی، ۱۴۰۸: ۸۲/۱۶) اما ابوحنیفه و امام شافعی و اکثر علمای شیعه بر این باورند که با توجه به ظاهر آیه، این دو صنف متغایر و متفاوت از هم می‌باشند. (طبری کیهراسی، ۱۴۰۵: ۲۰۵/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۱/۹؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۲۳۴/۱)

آنچه از ظاهر آیه برمی آید و با توجه به تعاریفی که از فقیر و مسکین ارائه شد، می توان گفت: فقیر و مسکین دو گروه متمایز از یکدیگر می باشند که هر یک سهم جداگانه ای از زکات به او تعلق می گیرد.

۳-۳- مراد از عبارت عاملین علیها

کسانی که مسئولیت تحصیل، جمع آوری و حفظ اموال زکاتی را بر عهده دارند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۱/۱۰؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۸۷۷/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۹۰/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۳۷۴/۲) علما در رابطه با اینکه این مال به چه مقدار و عنوانی به آنها داده می شود، اختلاف نموده اند:

مالک و ابوحنیفه و شافعی بر این عقیده اند که این مال زکات؛ به عنوان ثمن و به مقدار اجرت عملشان به آنها داده می شود. به این دلیل که آن اجرتی است که خداوند به ملکیت ایشان در آورده است هر چند عاملین ثروتمند باشند و وصفی دیگر غیر از خدمت در جمع آوری ندارند که بخواهیم با عنوان دیگری به آنها زکات دهیم. (ر.ک: ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۶۱/۲-۹۶۲؛ طبری کیهراسی، ۱۴۰۵: ۲۱۰/۴؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۳۲۴/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸۵/۱۶) اما علمای شیعه معتقدند؛ مالی که به عامل داده می شود، اجرت عمل او نیست بلکه شارع آن را تعیین می کند - در این صورت ممکن است به اندازه اجرت عمل یا بیشتر از آن باشد - و دلیل این سخن را اجماع مذهب و عموم آیه بیان می دارند. (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۹: ۴۰۷/۲-۴۰۸)

۳-۴- مراد از الفت قلوب

برخی مراد از عبارت «وَالْمَوْلَفَةَ قُلُوبِهِمْ» را به معنای؛ اشراف و بزرگان کفاری که تازه مسلمان شده باشند و اسلام به طور کامل در قلب آنها جای نگرفته و خام می باشند در نظر گرفته اند. در واقع، به جهت ثبات در دینداری، زکات به آنها تعلق می گیرد. (ر.ک: طوسی، ۱۹۶۳: ۲۴۳/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۴/۵؛ جصاص، ۱۴۰۵: ۳۲۴/۴؛ زمخسری، ۱۴۰۷: ۲۸۳/۲)

اختلاف علمای فرق بر سر این مسئله که؛ آیا سهم مولفة قلوب پس از پیامبر باقی است یا خیر؟

شافعی بر این باور است که این سهم مختص به زمان خاصی نیست و پس از پیامبر نیز باقی است، اما به شرط اینکه امام عادل برای تألیف قلوب کفار و جلب مصلحت مسلمین در این زمینه باشد. (ر.ک: طبری کیهراسی، ۱۴۰۵: ۲۱۱/۴) علمای شیعه نیز این سهم را منوط به وجود امام دانسته که با وجود غیبت امام عصر، آن را ساقط می دانند. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۲۳۶/۱)

رأی ابوحنیفه و مشهور مذهب مالک بر این است که؛ این سهم پس از پیامبر ساقط شده است، زیرا اسلام گسترش یافته و خداوند آن را عزت داده است و دیگر نیازی به

تألیف قلوب نمی‌باشد. (رک: ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۶۶/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸۱/۸) در این زمینه می‌توان گفت: در صورتی که اسلام در حالت برتر و قوت قرار داشت، سهم مورد نظر ساقط می‌شود ولی در غیر این صورت، همان طور که پیامبر به آنها سهم می‌داده، زکات به ایشان تعلق می‌گیرد. (ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۶۶/۲)

۳-۵- مراد از عبارات: رقاب، غارمین و فی سبیل الله

رقاب به بردگانی که جهت آزاد سازی خود اقدام نموده و قرارداد مکاتبه دارند، اما در پرداخت آن عاجز مانده‌اند، گفته می‌شود. همچنین مطلق بردگان نیز تفسیر شده است. (رک: زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۸۳/۲؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۲۲۶/۱)

غارمین: بدهکاری که توانایی پرداخت بدهی شخصی خود را ندارد یا اینکه برای اصلاح ذات بین، بدهکار شده است. در این صورت نیز، جزء غارمین محسوب می‌شود. اگر چه خودش توانایی پرداخت آن را داشته باشد. همچنین گفته شده است: قرض و دین می‌بایستی، بر اثر گناه و در راه فعل حرام ایجاد نشده باشد. (رک: سائس، ۱۴۲۳: ۴۶۵؛ صدیق حسن‌خان، ۱۴۲۴: ۳۴۰؛ مقدس اردبیلی، ۱۳۸۳: ۱۸۸؛ استر آبادی، بی‌تا: ۳۵۲/۱)

جمهور اهل سنت در تفسیر «فی سبیل الله» می‌گویند: مراد از آن مجاهدینی می‌باشند که به میل خود در جنگ برای دفاع از اسلام شرکت می‌کنند. برخی نیز تأمین امکانات جنگی و دفاعی را در این مجموعه قرار می‌دهند. همچنین گفته شده است: منظور از «فی سبیل الله» می‌تواند حج و تأمین نیاز حجاج باشد. (رک: ابن عربی، ۱۴۰۸: ۹۶۹/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸۵/۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۲۹/۱۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۸۳/۲)

ولی علما و مفسرین شیعه معتقدند: راه خدا عام است. هر عملی که مصالح مسلمین و حفظ دین در آن نهفته باشد، می‌تواند مصداقی برای «فی سبیل الله» باشد که بارزترین و مهم‌ترین آنها، جهاد در راه خداست. اما سایر اعمال مانند: حفر چاه عمومی، اصلاح راه‌ها، بنای مسجد و... را نیز شامل می‌شود، زیرا سبیل به معنای طریق (راه) بوده و زمانی که به لفظ جلاله‌ی الله اضافه شود، عمومیت مواردی که قرب الهی را در بردارد، می‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۱/۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۵۲/۲؛ طوسی، ۱۹۶۳: ۲۴۴/۵؛ استر آبادی، بی‌تا: ۳۵۲/۱)

ابن سبیل: مسافر در راه مانده‌ای که هزینه رسیدن به مقصد یا بازگشت را نداشته باشد. (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۱۹۰/۳؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۲۳۸/۱)

نتیجه گیری

- ۱- زکات را می توان در تفسیر فریقین در این مفاهیم خلاصه نمود: رشد و نمو، پاکی و طهارت، زکات واجب شرعی و انفاق و صدقه مستحب.
- ۲- آیه ی ۶۰ سوره ی توبه، بیانگر مصارف زکات است که، به آیه زکات نیز مشهور می باشد. خداوند در این آیه، هشت گروه را به عنوان مستحقین زکات بیان می کند که شامل این موارد است: فقرا، مساکین، مسئولین جمع آوری زکات، مولفه ی قلوب، بردگان، بدهکاران، مصالح مسلمین و مسافر در راه مانده.
- ۳- اکثر علمای فریقین، الصدقات در آیه ۶۰ سوره توبه را به معنای زکات می دانند.
- ۴- نظر راجح درباره فقیر و مسکین این است که آنها دو صنف متفاوت می باشند و سهم زکات جداگانه ای به ایشان تعلق می گیرد.
- ۵- در رابطه با سهم عامل، علمای شیعه بر این باورند که، اجرت عمل وی نیست بلکه شارع آن را تعیین می کند و ممکن است، این سهم بیشتر از مقدار اجرت باشد. اما اکثر علمای اهل سنت آن را ثمن و اجرت عامل می دانند.
- ۶- درباره مولفه ی قلوب، آرای فرق مسلمین بدین صورت است که: شافعی آن را ساقط نمی داند و در صورت وجود امام عادل می بایستی این سهم پرداخت شود. اما قول مشهور مالک و ابوحنیفه بر این امر استوار است که سهم یاد شده، پس از پیامبر ساقط شده است. شیعه نیز به دلیل وجود غیبت امام عصر، سهم را زایل شده می داند.
- ۷- اکثر علمای اهل سنت، «فی سبیل الله» را به جهاد و مجاهدین در راه خدا معنا کرده اند، در حالی که علمای شیعه راه خدا را عام می دانند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
۱. آشتیانی، میرزا محمد حسن (بی تا): «کتاب الزکاة»، بی جا.
 ۲. ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰): «تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور»، بیروت: مؤسسة چاپ اول.
 ۳. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸): «أحكام القرآن»، محقق: علی محمد بجای، بیروت: دار الجیل، بیروت- لبنان، چاپ اول.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مكرم علی (۱۴۱۴): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
 ۵. ابن عثمان ثلاثی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳): «تفسیر الثمرات الیانه و الاحکام الواضحه القاطعه»، صعه: مکتب التراث الاسلامی، چاپ اول.
 ۶. ابوحنان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰): «البحر المحيط فی التفسیر»، محقق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
 ۷. ابن فارس، ابوالحسنین احمد (۱۳۹۹): «معجم مقاییس اللغة»، محقق: عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر.
 ۸. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲): «المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز»، محقق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
 ۹. استر آبادی، محمد بن علی (بی تا): «آیات الأحکام»، محقق: محمد باقر شریف زاده، تهران: معراجی، چاپ اول
 ۱۰. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰): «تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل»، محقق: عبدالرزاق مهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
 ۱۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳): «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، بیروت: دار احیاء التراث.
 ۱۲. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸): «تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
 ۱۳. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲): «الکشف والبیان»، محقق: ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
 ۱۴. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵): «أحكام القرآن»، محقق: محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
 ۱۵. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (۱۴۱۴): «تفسیر روح البیان»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
 ۱۶. حوی، سعید (۱۴۲۴): «الأساس فی التفسیر»، قاهره: دار السلام، مصر-قاهره، چاپ ششم.
 ۱۷. دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴): «تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم»، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول.
 ۱۸. رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول.
 ۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): «مفردات الفاظ القرآن»، بیروت: دارالشامیة، چاپ اول.
 ۲۰. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵): «فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام»، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
 ۲۱. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل»، مصحح: مصطفی حسین احمد، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
 ۲۲. زحیلی، وهبة (۱۴۲۲): «التفسیر الوسیط»، دمشق: دار الفکر، چاپ اول.
 ۲۳. سائیس، محمد علی (۱۴۲۳): «تفسیر آیات الأحکام»، محقق: ناجی ابراهیم سویدان، بیروت: المکتبة العصریة، چاپ اول.

۲۴. شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴): «فتح القدير»، بیروت: دار ابن اکثیر، چاپ اول.
۲۵. شنقیطی، محمدامین (۱۴۲۱ق): «أضواء البيان فی ایضاح القرآن بالقرآن»، بیروت: دارالکتب العلمیہ، چاپ اول.
۲۶. صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۴۲۴): «نیل المرام من تفسیر آیات الأحکام»، بیروت: دار الکتب العلمیہ، چاپ اول.
۲۷. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات، چاپ دوم.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۹۶۳): «التبيان فی تفسیر القرآن»، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۲۹. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲): «جامع البيان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول.
۳۰. طبری کبیراسی، ابولحسن (۱۴۰۵): «احکام القرآن»، بیروت: دار الکتب العلمیہ، چاپ دوم.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البيان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲): «تفسیر جوامع الجامع»، مصحح: ابوالقاسم گرجی، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، چاپ اول.
۳۳. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷): «التفسیر الوسيط للقرآن الکریم»، قاهره: نهضت مصر، مصر-قاهره، نوبت چاپ اول.
۳۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰): «التفسیر (تفسیر العیاشی)»، محقق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیة الإسلامية، چاپ اول.
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰): «التفسیر الکبیر»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵): «تفسیر الصافی»، مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا): «کتاب العین»، محقق: د مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، لبنان: دار ومکتبه الهلال.
۳۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳): «کنز العرفان فی فقه القرآن»، تهران: مرتضوی، چاپ اول.
۳۹. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.
۴۰. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۵): «فقه القرآن»، محقق: احمد حسینی اشکوری، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ دوم.
۴۱. قمی مشهیدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸): «تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب»، محقق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳): «تفسیر القمی»، محقق: طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، چاپ سوم.
۴۳. کاشانی، فتح الله بن شکرالله (۱۴۲۳): «زبدة التفاسیر»، محقق: بنیاد معارف اسلامی، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول.
۴۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۳۸۳): «زبدة البيان فی أحكام القرآن»، محقق: محمد باقر بهبودی، تهران: مکتبه المرتضویة، چاپ اول.
۴۵. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹): «کتاب الزکاة»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

References

The Holy Quran

1. Ashtiani, Mirza Mohammad Hassan (No date): "Book of Zakat" (No place).
2. Ibn Ashour, Mohammad Tahir (1420AH): "Tafsir al-Tahir wa Al-Tanwir" known by the interpretation of Ibn Ashour, Beirut: Firšt Edition İnstitute.
3. Ibn Arabi, Muhammad ibn Abdullah (1408AH): "Ahkam Al- Qur'an", researcher: Ali Muhammad Bajavi, Beirut: Dar al-Jail, Beirut-Lebanon, first edition.
4. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram Ali (1414AH): "Lisan Al-Arabs", Beirut: Dar Sader, third edition.
5. Ibn 'Uthman al-Thala'i, Yusuf ibn Ahmad (1423AH): "Tafsir al-Thamarat Al-Yaneah wa al-Ahkam al-Wadhah al-Qata'a", Saada: Maktab al-Tarath al-Islami, first edition.
6. Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf (1420AH): "Albahr Al-mohit fi Al-Tafsir", researcher: Sadqi Muhammad Jamil, Beirut: Dar Al-Fikr, first edition.
7. Ibn Faris, Abu al-Hussein Ahmad (1399SH): "Moajam Maqayes Al-loqah", researcher: Abdul Salam Mohammad Harun, Beirut: Dar al-Fikr.
8. Ibn Atiyah, Abdul Haq Ibn Ghalib (1422SH): "Al-Muharrar Al-Wajiz Fi Tafsir Al-Kitab Al-Aziz", researcher: Abdul Salam Abdul Shafi Muhammad, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Alamiya, first edition.
9. Astarabadi, Mohammad Ibn Ali (No date): "Ayat Al-Ahkam", Researcher: Mohammad Baqer Sharifzadeh, Tehran: Meraji, First Edition
10. Baghawi, Hussein Ibn Massoud (1420AH): "Tafsir Al-Baghwi Al-Mosma Ma'alim Al-Tanzil", Researcher: Abdul Razzaq Al-Mahdi, Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi, First Edition.
11. Balkhi, Moqatel Ibn Sulayman (1423AH): "Tafsir Moqatel Ibn Sulayman", Beirut: Dar Ahya Al-Tarath.
12. Tha'labi, Abd al-Rahman ibn Muhammad (1418AH): "Tafsir Al-Thaalebi Al-mosama Be Al-Jawaher Al-Hesan fi Tafsir Al- Qur'an", Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
13. Thalabi, Ahmad Ibn Muhammad (1422AH): "Al-Kashf wa Al-Bayyan", researcher: Abi Muhammad Ibn Ashour, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
14. Jasas, Ahmad Ibn Ali (1405AH): "Ahkam Al- Qur'an", researcher: Mohammad Sadegh Qamhawi, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
15. Haqi Barsavi, Ismail Ibn Mustafa (1414Ah): "Tafsir Ruh al-Bayan", Beirut: Dar al-Fikr, first edition.
16. Hawi, Saeed (1424AH): "Al-Asas Fi Al-Tafsir", Cairo: Dar al-Salam, Egypt-Cairo, sixth edition.
17. Dinavari, Abdullah Ibn Muhammad (1424AH): "Tafsir Ibn Wahab Al-Mosama Al-Wadhhih Fi Tafsir Al-Quran Al-Karim", Beirut: Dar Al-Kotob Al-Al-Elmiya, first edition.
18. Razi, Hussein Ibn Ali (1408AH): "Rawz al-Jannan and Ruh al-Jannan fi Tafsir Al-Qur'an", Mashhad: Aštan Quds Razavi, Islamic Research Foundation, first edition.
19. Ragheb Esfahani, Hussein Ibn Mohammad (1412AH): "Mofradat Alfaz Al-Quran", Beirut: Dar al-Shamiya, first edition.
20. Ravandi, Qutbuddin (1405AH): "Feqh Al-Quran fi Shah Ayat Al-Ehkam", Qom: Library of Ayatollah Marashi Najafi, second edition.
21. Zamakhshari, Mahmud Ibn Umar (1407AH): "Al-Kashaf an Haqaeq Qawamez Al-taniz wa Oyon Al-Aqawil fi wjoh Al-tawil", edited by Mustafa Hussein Ahmad, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi, third edition.
22. Zohaili, Wahba (1422AH): "Al-Tafsir Al-Wasit", Damascus: Dar Al-Fikr, first edition.

23. Sais, Mohammad Ali (1423): "Interpretation of the verses of the rulings", researcher: Naji Ibrahim Suidan, Beirut: Al-Muktabah Al-Asriya, first edition.
24. Shokani, Muhammad ibn Ali (1414): "Fath al-Qadir", Beirut: Dar Ibn Akthir, first edition.
25. Shenqiti, Mohammad Amin (1421 AH): "Adwa 'al-Bayyan fi Izaah al-Qur'an by Qur'an", Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh, first edition.
26. Siddiq Hassan Khan, Mohammad Siddiq (1424AH): "Nail Al-Maram men Tafsir Ayat Al-Ahkam", Beirut: Dar Al-Kotob Al-Elmiya, first edition.
27. Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein (1390SH): "Al-Mizan fi Tafsir Al-Qur'an", Beirut: Scientific Foundation for Publications, second edition.
28. Tusi, Mohammad Ibn Hassan (1963): "Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran", edited by Ahmad Habib Ameli, Beirut: Dar Al-Ihyaal Al-Tarath Al-Arabi, first edition.
29. Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412AH): "Jame 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Dar al-Ma'rifah, first edition.
30. Tabari Kiaharasi, Abul Hassan (1405AH): "Ahkam al-Quran", Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh, second edition.
31. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1372SH): "Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Tehran: Nasser Khosrow, third edition.
32. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1412AH): "Tafir Jawamea Al-Jamea", edited by Abolghasem Gorji, Qom: Qom Seminary, Management Center, first edition.
33. Tantawi, Mohammad Sayyid (1997): "Al-Tafsir Al-Wasit LeQuran Al-Karim", Cairo: Egyptian Movement, Egypt-Cairo, first edition.
34. Ayashi, Mohammad Ibn Massoud (1380SH): "Tafsir (Tafsir Al-Ayashi)", Researcher: Hashem Rasooli, Tehran: Islamic Scientific School, first edition.
35. Fakhr al-Razi, Muhammad ibn Umar (1420AH): "Al-Tafsir al-Kabir", Beirut: Dar Ihyaa al-Tarath al-Arabi, third edition.
36. Faiz Kashani, Mohammad Ibn Shah Morteza (1415AH): "Tafsir Al-Safi", Introduction and correction: Hossein Aalami, Tehran: Maktab Al-Sadr, second edition.
37. Farahidi, Khalil bin Ahmad (No date): "Kitab al-Ain", researcher: Mahdi al-Makhzoumi, Ibrahim al-Samarai, Lebanon: Dar and Maktab al-Hilal.
38. Fazel Miqdad, Miqdad Ibn Abdullah (1373SH): "The Treasure of Mysticism in the Fiqh of the Qur'an", Tehran: Mortazavi, first edition.
39. Qurtobi, Mohammad Ibn Ahmad (1364SH): "Al-Jame ' Lahkam Al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow, first edition.
40. Qutb Ravandi, Saeed Ibn Hiba Allah (1405AH): "Fiqh Al- Quran", Researcher: Ahmad Hosseini Eshkavari, Qom: Public Library of Grand Ayatollah Marashi Najafi, second edition.
41. Qomi Mashhadi, Mohammad Ibn Mohammad Reza (1368SH): "Tafsir Kanz al-Daqaiq wa Bahr al-Gharab", Researcher: Hossein Dargahi, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization, First Edition.
42. Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1363SH): "Tafsir al-Qomi", researcher: Tayeb Mousavi Jazayeri, Qom: Dar al-Kitab, third edition.
43. Kashani, Fathullah Ibn Shukrallah (1423AH): "Zobdah AL-Tafasir", researcher: Islamic Knowledge Foundation, Qom: Islamic Enlightenment Foundation, first edition.
44. Muqaddas Ardabili, Ahmad Ibn Mohammad (1383SH): "Zobah Al-Bayan fi Ahkam Al-Quran", Researcher: Mohammad Baqir Behboodi, Tehran: Al-Mortazavi School, first edition.
45. 45- Montazeri, Hossein Ali (1409AH): "Ketab AL-Zakat", Qom: Islamic Media School.